

## «حق زن به تصدی مشاغل عمومی»\*

زهره رحمانی\*\*

### چکیده

مسئله حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و احراز مشاغل و مناصب عمومی از مسایل مناقشه برانگیزی است که از دیرباز موضوع بحث، مجادله و مناظره قرار گرفته است.

با نگاهی گذرا بر تاریخ بشریت، این واقعیت تلخ و انکارناپذیر به ذهن متبادر می‌شود که در همه ادوار و نزد تمامی ملل، سعی در به حاشیه راندن زنان بوده و با ارزیابی نادرست از قابلیت‌ها و استعدادهای آنان، عملاً زنان به سمت و سوی سوق داده شده‌اند که با وجود آنکه نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می‌دهند اما هنوز از حقوق اساسی بهره‌مند نیستند. بررسی وضعیت حق زنان به تصدی مشاغل عمومی در ایران، روشن می‌سازد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه زمینه‌های قانونی حضور زنان در

---

\* برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی: زهره رحمانی، حق زن به تصدی مشاغل عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر محمد راسخ، ۱۳۸۱.  
\*\* دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

تصمیم‌گیری‌های کلان کشور را فراهم ساخته است و در صورت عدم وجود موانع قانونی، باید دید که آیا بسترهای مناسب و شرایط لازم برای مشارکت سیاسی زنان مهیاست؟

## واژگان کلیدی

مشاغل و مناصب عمومی، مشارکت سیاسی زنان

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، صرف‌نظر از تمامی محدودیت‌ها و مشکلاتی که در سال‌های گذشته پیش روی زنان وجود داشته، آنان را از حالت شی بودن خارج نموده و به زنان شخصیت و هویت مستقلی بخشیده است.

امروزه، در کشور ایران، زنان به طور جدی خواستار مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی کشور می‌باشند که این مسئله فقط به معنای حضور آنان در انتخابات و رأی دادن نبوده، بلکه مشارکت آنان در تمام نهادهای دموکراتیک با داشتن نقش تعیین کننده و تصمیم گیرنده مد نظر می‌باشد. در ایران زمینه‌های قانونی حضور زنان در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، اما زنان هنوز نتوانسته‌اند آن‌چنان که سزاوار و شایسته‌ی آنان است رشد کرده و به عنوان نیروهای مؤثر در قدرت سیاسی شرکت داشته باشند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پاس فداکاری‌های زنان در روند انقلاب، در مقدمه‌ی خود از حضور فعال و گسترده‌ی زنان در تمامی مراحل مبارزه‌ی انقلاب یاد کرده است. در بند ۹ اصل سوم این قانون، تأکید به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» گردیده و در بند ۱۴ همین اصل نیز به «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» اشاره شده است. همچنین قانون اساسی صراحتاً به بیان «مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خویش»<sup>۱</sup> پرداخته است. بدین ترتیب، می‌توان عنایت و توجه قانونگذار را به منع تبعیض بین زنان و مردان به طور عام و حق برابر زنان به تصدی مقامات عمومی به طور اخص مورد توجه قرار داد.

۱. بند ۱۱۸ اصل سوم قانون اساسی

پیشنهاد موضوع مقاله با عنوان «حق زن به تصدی مشاغل عمومی»، بهانه‌ای بود تا شاید با بحث و بررسی بیشتر و عمقی‌تر، گره نابرابری را در احراز مشاغل بالای مدیریتی در ایران از هم گشود و همگام و همراه با کشورهای که این امر را پذیرفته‌اند، اقدام به ایجاد مکانیسم ویژه جهت استقرار برابری و رفع تبعیض نمود.

با این وصف، در گفتار اول به بررسی برابری حقوق زن و مرد، جهت تصدی مقام رهبری و مشاغل مرتبط با آن پرداخته و مواد قانونی مربوط به آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

در گفتار بعدی، وجود یا عدم وجود موانع قانونی، جهت تصدی مشاغل و مناصب مرتبط با قوه مقننه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پس از آن در گفتار سوم، مشاغل مرتبط با قوه مجریه را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و در پی پاسخ به این سؤال هستیم که آیا برای احراز این مشاغل و مناصب، موانع قانونی وجود دارد و در صورت پاسخ منفی، آیا زنان در عمل توانسته‌اند به فرصت‌های برابر با مردان دست یابند؟

در گفتار پایانی نیز به کند و کاو در خصوص مشاغل مرتبط با قوه قضائیه می‌پردازیم و برابری یا عدم برابری حق زنان به تصدی این مشاغل را مورد توجه و نقد قرار می‌دهیم. امید است، با نقد و بررسی موارد ذکر شده، بتوانیم گامی هر چند کوتاه، جهت ایضاح وضعیت حق برابر زنان به تصدی مشاغل عمومی برداریم.

## گفتار اول - رهبری و مشاغل مرتبط با آن

### ۱- رهبری

با عنایت به اصل ۵۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده‌ی این قانون اعمال می‌گردند...» و اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات رهبری را مورد اشاره قرار داده، باید گفت که رهبر در امور مهم، حساس و سرنوشت ساز کشور از نقش بسیار بالایی برخوردار است. مضافاً اینکه ایشان در رأس قوای سه گانه کشور نیز قرار دارند. بدین ترتیب با توجه به اختیارات فوق‌العاده رهبر، ایشان از ابتکار عمل وسیعی - البته در محدوده قانون - برخوردارند.

با توجه به اوصاف و شرایط مطرح شده برای رهبری در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی، از جمله صلاحیت علمی، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر و ...، قانون اساسی در بحث رهبری به مرزبندی جنسیتی نظر ندارد و زنان واجد شرایط رهبری مانند مردان می‌توانند به این مقام نایل شوند.

اما با توجه به اینکه قانونگذار زنان را به طور صریح از احراز منصب رهبری محروم نساخته، لکن بر «صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه»<sup>۲</sup> تأکید ورزیده است و از آنجا که تفکر رایج طی قرون متمادی این بوده است که گویا زن در اسلام نمی‌تواند در مقام فقیه، مجتهد، مرجع و مفتی بنشیند در نتیجه همواره چنین برداشت شده که این قشر از جامعه از تصدی مقام رهبری محروم هستند. البته اندیشمندان بسیاری در زمان حاضر وجود دارند که دیدگاهی مخالف با نظر قبلی دارند و معتقد به حضور زنان در تمامی رده‌های مدیریتی هستند.<sup>۳</sup> بنابراین می‌توان امیدوار بود که زنان شایسته واجد شرایط بتوانند به احراز این مقام نایل آیند. البته با توجه به ملاحظات سیاسی که حتی در مورد مناصب پایین‌تر مدیریتی مانند ریاست مجلس، وزارت و ... وجود دارد که اجازه دستیابی زنان به این مشاغل را نمی‌دهد، به طریق اولی در مورد مقام رهبری به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور این ملاحظات از شدت وحدت بیشتری برخوردار می‌باشد.

## ۲- مجلس خبرگان رهبری

به موجب اصل ۱۰۷ قانون اساسی، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. ماده ۲ قانون انتخابات خبرگان ۱۳۵۹/۷/۱۰ شرایط خبرگان رهبری را اینگونه بیان می‌کند:

«خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

ب - اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسایل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی

فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛

<sup>۲</sup> بند یک اصل ۱۰۹ قانون اساسی.

<sup>۳</sup> آیت‌الله موسوی بجنوری، «... زن می‌تواند مجتهد شود و بنابراین می‌تواند به مقام ولایت فقهی نیز برسد و منصب قضاوت هم داشته باشد...» (ماهنامه پیام امروز شماره ۱۹ مرداد و شهریور ۱۳۷۶، ص ۳۵ تا ۳۷)

ج - بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسایل سیاسی روز؛

د - معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ه - نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی ...»

مشاهده می‌شود که قانونگذار جنسیت خبرگان منتخب مردم را تعیین نکرده است. لذا زنان هم می‌توانند در حدود نسبی که در جمعیت کشور دارند در صورتی که واجد شرایط باشند نامزدی خود را برای عضویت در خبرگان رهبری اعلام کنند.

### ۳- نهادهای تحت نظر مقام رهبری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادهای متعددی ایجاد گردیدند که برخی از آنها ضمن حفظ استقلال، با دلایل خاص خود، تحت نظارت مقام رهبری در آمدند. از جمله این نهادها می‌توان به بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام و ... اشاره نمود.

مؤسسات و نهادهای مذکور اکثراً برای نیات خیرخواهانه تأسیس شده‌اند. در ادامه به ذکر برخی از آنها پرداخته و امکان یا عدم امکان حضور زنان در ریاست این نهادها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱- بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی

بنیاد مستضعفان از جمله نهادهای انقلابی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت نگهداری و سرپرستی اموال مصادر شدهٔ خاندان پهلوی و وابستگان آن رژیم و به مصرف رساندن درآمد کلیه اموال مذکور برای مستمندان و مستضعفین به منظور رفع استضعاف مادی و معنوی آنان طی فرمان نهم اسفند ۱۳۵۷ مقام رهبری به شورای انقلاب تشکیل گردید.<sup>۴</sup> و اساسنامه آن در جلسه ۱۳۵۹/۴/۲۱ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسید. بنیاد دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد.

در اساسنامه بنیاد شرطی مبنی بر مرد بودن ریاست بنیاد ذکر نگردیده است. انتصاب رئیس بنیاد به موجب حکم مقام رهبری، برای مدت سه سال، از بین افراد متعهد و بصیر

<sup>۴</sup> . مقدمه اساسنامه بنیاد، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، نشریه روزنامه رسمی

صورت می‌گیرد. رئیس بنیاد به عنوان بالاترین مقام اجرایی بنیاد، مسئول انجام و اجرای کلیه امور و هدایت فعالیت‌ها و حفظ حقوق و منافع بنیاد است.

انتظار می‌رود به پاس فداکاری‌های بی‌شمار زنان در جریان انقلاب و با توجه به نگرش مثبت امام خمینی (ره) نسبت به آنان، از حضور افراد لایق و شایسته این قشر عظیم جامعه در این عرصه استفاده شود. اما متأسفانه تاکنونی زنی به ریاست بنیاد منصوب نگردیده که این امر به نظر نمی‌رسد که بنا به ملاحظات حرفه‌ای باشد، چرا که حتماً زنانی که صلاحیت تجربی و مدیریتی کافی برای احراز این پست را داشته باشند، وجود دارند.

### ۲-۳- بنیاد شهید انقلاب اسلامی

بنیاد شهید انقلاب اسلامی نهادی است انقلابی که در اجرای فرمان رهبر کبیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۲ تأسیس شد و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی و غیر دولتی و در چارچوب این اساسنامه و آیین‌نامه‌های مربوطه زیر نظر رئیس جمهور و نظارت عالی مقام معظم رهبری اداره می‌شود.<sup>۵</sup>

هدف از ایجاد این نهاد یاری رساندن به خانواده‌هایی است که در جریان پیروزی انقلاب یا جنگ تحمیلی سرپرست و یا یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و گروه کثیری از این افراد را زنانی تشکیل می‌دهند که با شهادت همسران، فرزندان و پدران خود با بنیاد در ارتباط بوده، فلذا بهتر است که برای تمشیت امور و سازماندهی نارسائیهای این قشر جامعه، از مدیریت و توانایی زنان کاردان در پست ریاست بنیاد بهره جست، با این توضیح که طبق اساسنامه بنیاد، جهت ریاست این نهاد، شرط مرد بودن ذکر نگردیده است.

### ۴- مجمع تشخیص مصلحت نظام

با وجود پیش‌بینی نهادها و سازمانهای گوناگون براساس نظام تفکیک قوا با نظارت رهبری و تعیین حقوق و وظایف هر یک در قانون اساسی ۱۳۵۸، تجربه چند ساله نشان داد

<sup>۵</sup> . مقدمه اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۷، نشریه روزنامه رسمی، (مقدمه اساسنامه بنیاد

شهید انقلاب اسلامی)، ص ۱۱۳.

که انجام وظیفه و اتخاذ تصمیم برخی از امور، با رعایت کامل قانون، به راحتی نمی‌توانست قابل اعمال باشد. مجمع تشخیص مصلحت نظام پدیده‌ای است که پس از پاره‌ای چاره‌جویی‌های موردی، با ابتکار و به موجب فرمان مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی (ره) تأسیس گردید و در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ قوت قانونی یافت.<sup>۶</sup> اصل ۱۱۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد که «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید...».

بدین ترتیب با عنایت به ذیل اصل مذکور عضویت در این نهاد توسط زنان مشکل قانونی ندارد<sup>۷</sup> و تصدی این مقام به نظر مقام رهبری بستگی دارد. البته تاکنون زنی در این نهاد عضویت نداشته است.

#### ۵- ریاست سازمان صدا و سیما

در اصل ۱۷۵ قانون اساسی مقرر شده است که «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت...»

بنابراین رئیس سازمان صدا و سیما، زیر نظر مستقیم مقام رهبری، به عنوان عالی‌ترین مقام مسئول آن نهاد و براساس قوانین و مقررات انجام وظیفه می‌نماید. قانونگذار برای نصب ریاست سازمان شرط مرد بودن را قایل نشده و از این جهت منعی برای زنان وجود

<sup>۶</sup> هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ج ۲، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۵۲.

<sup>۷</sup> اصل ۱۱۲ قانون اساسی بر دو محور کارشناسی و مشاوره استوار می‌باشد که در نظام اسلامی برای زنان تجویز شده و در فقه نیز دلیلی بر منع وجود ندارد. (کار، مهرانگیز، «رفع تبعیض از زنان»، نشر قطره، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷)

ندارد. البته این امر تابع نظر مقام رهبری می‌باشد اما تاکنون هیچ زنی به ریاست این سازمان منصوب نگردیده است.

#### ۶- شورای عالی امنیت ملی

«به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد...»<sup>۸</sup>.  
در ذیل اصل ۱۷۶ قانون اساسی به اعضای شورای عالی امنیت ملی اشاره شده است. این اعضا عبارتند از: رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب رهبری، وزرای امور خارجه، کشور و اطلاعات و حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه.  
با وجود اهمیت بالای شورای عالی امنیت ملی، قانونگذار برای عضویت در آن شرط مرد بودن را قید نکرده است. اما رویه عملی به گونه‌ای بوده که از آغاز تشکیل آن، تاکنون زنی به عضویت آن در نیامده است.

#### ۷- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

امام خمینی (ره) در مقام بیان منزلت اجتماعی و سیاسی زنان یادآور شده‌اند که «زن باید در سرنوشت خود دخالت داشته باشد... اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد»<sup>۹</sup>، «زنان در صدر اسلام همراه مردان در میدانهای جنگ مشارکت داشته‌اند»<sup>۱۰</sup> و «در زمان حاضر می‌تواند در خدمت ارتش باشند»<sup>۱۱</sup>.  
قانون اساسی که در اصول ۱۴۳ و ۱۵۰ خود به ذکر وظایف و ویژگی‌های دو نهاد ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداخته، شرط مرد بودن را در امر عضویت در ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش‌بینی نکرده است. اما قوانین ناظر بر

<sup>۸</sup>. اصل ۱۷۶ قانون اساسی.

<sup>۹</sup>. موسوی خمینی، روح الله، «صحیفه نور»، ج ۵، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص

۱۵۳.

<sup>۱۰</sup>. همان منبع، ج ۴، ص ۵۹.

<sup>۱۱</sup>. همان منبع، ج ۴، ص ۱۰۳.



استخدام و نظام وظیفه در نیروهای مسلح به گونه‌ای است که زنان نمی‌توانند به عضویت در آن نایل شوند و فقط در کادر اداری و پزشکی و پرستاری پذیرفته می‌شوند، بی‌آنکه به آنان درجه و امتیازات خاص نظامی داده شود. بدین ترتیب در نظام قانونی پس از انقلاب، آزادی عضویت زنان در نیروهای مسلح، بی‌پای مردان نمی‌رسد.

به موجب ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ «ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام نماید. نقل و انتقالات زنان باید حتی‌الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد.» و به موجب ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ «سپاه برای مشاغلی که مستلزم بکارگیری زنان باشد آنان را استخدام می‌نماید. تغییر محل خدمت زنان باید حتی‌الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد.»

بدین ترتیب، زنان از اشتغال به مشاغل خاص نظامی محرومند. اما، نکته قابل توجه آن است که این پست‌ها نیز از مصادیق حضور زنان در جامعه بوده و مشروعیت دارد و لذا اگر زنان از لحاظ جسمی و روحی واجد شرایط احراز این مشاغل باشند، باید بتوانند به تصدی این مناصب نایل آیند.

### گفتار دوم - مشاغل مرتبط با قوه مقننه

#### ۱- مجلس شورای اسلامی

به موجب اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.» و «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود...»<sup>۱۲</sup> و «مجلس شورای اسلامی نیز از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.»<sup>۱۳</sup>

در همه این موارد هیچ ظاهر و قرینه‌ای مبنی بر مستثنی نمودن زنان وجود ندارد. البته قانونگذار در قانون اساسی تعیین شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان را محول به قانون عادی نموده است که در این صورت فضای مجلس و دیدگاه‌های فقهی شورای نگهبان

<sup>۱۲</sup>. اصل ۵۸ قانون اساسی.

<sup>۱۳</sup>. اصل ۶۲ همان قانون.

در مقام نظارت بر قوانین عادی می‌تواند حق زنان به نمایندگی مجلس را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. اما قدردانی رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی از مشارکت فعالانه و سرنوشت ساز زنان در انقلاب و تاکید ایشان در حق شرکت آنان در مقدرات سیاسی کشور و سرنوشت خود<sup>۱۴</sup> و تصریح مؤکد و مکرر بر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان، نکته بسیار قابل توجهی بود که در شرایط حساس انقلاب هیچکس و هیچ نظریه فقهی نمی‌توانست با آن مخالفت کند.

شایان ذکر است که در متن قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی نشأت گرفته از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم، هیچگونه تبعیض جنسیتی مشاهده نمی‌شود. بنابراین جمهوری اسلامی حق رأی دادن و انتخاب شدن را برای زنان به رسمیت شناخته و از این جهت میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. کما اینکه زنان از اولین دوره تشکیل مجلس شورای اسلامی در این نهاد مردمی نمایندگی داشته‌اند و این تعداد در هر دوره رو به افزایش است.<sup>۱۵</sup> ضمناً حضور زنان در منصب ریاست مجلس نیز با مانع قانونی مواجه نیست، اما تاکنون هیچ زنی به این مقام دست نیافته و ریاست قوه قانونگذاری همواره در انحصار مردان قرار داشته است. البته در دوره ششم مجلس شورای اسلامی زنان توانسته‌اند به عضویت هیأت رئیسه در آیند.<sup>۱۶</sup>

## ۲- شورای نگهبان

«به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

<sup>۱۴</sup> . صحیفه نور، ج ۵، منبع پیشین، صص ۴-۱۵۳، بیانات امام در جمع گروهی از بانوان قم، ۵۷/۱۲/۱۵.

<sup>۱۵</sup> . در دوره اول تا سوم پس از انقلاب تنها ۴ زن به مجلس راه یافتند و در دوره‌ی چهارم تعداد آنها به ۹ نفر رسید. در

دوره پنجم تعداد به ده نفر افزایش یافت در دوره ششم باز هم به این تعداد افزوده شده است و به ۱۱ نفر رسید.

<sup>۱۶</sup> . خانم سهیلا جلودارزاده.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.<sup>۱۷</sup>

اگر اختیارات شورای نگهبان را در اصول ۴، ۶، ۸۵، ۹۸ و ۹۹ قانون اساسی بررسی کنیم، خواهیم دید که شورای نگهبان در واقع سرنوشت سیاسی کشور را تعیین می‌کند. در اصل ۹۹ قانون اساسی آمده است که «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را برعهده دارد.» که بنا به نظر تفسیری شورای نگهبان این نظارت استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.<sup>۱۸</sup> الفاظ و معانی در این اصول صریح و واضح هستند و قانونگذار اساسی در بیان ترکیب شورای نگهبان و نحوه‌ی انتصاب و انتخاب اعضای آن، اشاره به مرد بودن اعضا نکرده و بدین ترتیب زنان برای حضور در ترکیب اعضای شورای نگهبان از لحاظ قانونی مانعی پیش رو ندارند.

در بند یک اصل ۹۱ قانون اساسی صفات ۶ نفر از اعضای شورا به گونه‌ای بیان شده که زنان شایسته و واجد شرایط عضویت که فقیه و عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز باشند، می‌توانند به این مقام نایل آیند.

چرا که فقیه کسی است که فقه دینی را می‌داند چه به اجتهاد باشد یا به تقلید. در اصل ۹۱ قانون اساسی واژه‌ی فقیه بکار رفته و صفاتی چون عدالت و آگاهی سیاسی برای وی قید گردیده است. در مفاد اصل تصریح شده، هدف از ایجاد شورای نگهبان پاسداری از احکام اسلام و تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام دینی است. این هدف را فقیه می‌تواند انجام دهد. زیرا به احکام اسلام آشناست، اگر چه آشنایی او از روی تقلید باشد. با وصف مزبور زنان می‌توانند به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب شوند.<sup>۱۹</sup> خصوصاً اینکه در ایران از گذشته‌های دور، زنان توانسته‌اند، در

<sup>۱۷</sup> اصل ۹۱ قانون اساسی.

<sup>۱۸</sup> نظریه تفسیر شورای نگهبان درباره اصل ۹۹ قانون اساسی، شماره ۱۲۳۴، ۱۳۷۰/۳/۱.

<sup>۱۹</sup> کار، مهرانگیز، «مشارکت سیاسی زنان، موانع و امکانات»، انتشارات روشنگران، ۱۳۸۰، ص ۸۸.

حوزه‌های دینی مدارج علمی را طی کرده و به درجه‌ی اجتهاد برسند.<sup>۲۰</sup> این مدارس بعد از انقلاب رو به فزونی بوده و زنان و دختران زیادی در آنها مشغول به تحصیل می‌باشند. در خصوص شش نفر حقوقدان شورای نگهبان هم، با توجه به اینکه در کشور ایران، زنان سالهاست که به امر وکالت مشغول می‌باشند و در تمام نهادهای دولتی و خصوصی در مقام مشاور حقوقی حضور دارند و حتی سالها به مقام قضاوت نیز نایل شده بودند، ورودشان به شورای نگهبان، در جمع حقوقدانان عضو شورا، کاملاً عادی و میسر است، لذا زنان می‌توانند طبق بند ۲ اصل ۹۱ قانون اساسی به عضویت شورا نایل شوند.

### ۳- شوراهای اسلامی

عدم تمرکز و اعمال آن از طریق شوراهای محلی و مردمی، تأمین‌کننده‌ی خواست و اراده‌ی مردم و به منزله‌ی اعمال و اجرای شیوه‌ی خاصی از دموکراسی می‌باشد. بدین معنی که اداره‌ی شونده‌گان هر محل، با داشتن توقعات مشترک برای حل و فصل امور خود به مشارکت دعوت می‌شوند. این شیوه که امور اهالی به خود آنان واگذار شود تا با بهره‌گیری از امکانات محلی و توانایی‌های خود جوش خویش، آن را به انجام برسانند، حد اعلای دموکراسی به شمار می‌رود.<sup>۲۱</sup>

به موجب اصل ۷ قانون اساسی «... شوراهای از ارکان تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند».

اصل ۱۰۰ قانون اساسی نیز، در خصوص چرایی تشکیل شوراهای و ترتیب انتخاب اعضا و شرایط آنان مطالبی را عنوان داشته است. با توجه به مواد قانونی مذکور، در زمینه‌ی عضویت زنان در شوراهای مانعی وجود ندارد و در حال حاضر زنان بسیاری به عضویت این نهاد درآمده‌اند.

<sup>۲۰</sup> از جمله سیده بانو نصرت امین اصفهانی که تفسیر قرآن او به نام «مخزن العرفان» ۱۵ جلد است و مقام علم و اجتهاد او را آیات عظام شیخ عبدالکریم حایری، شیخ ابراهیم حسینی شیرازی، شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی مورد تأیید مکتوب خود قرار داده‌اند (حجت‌الاسلام صادقی اردستانی، احمد، «هفتاد زن راوی حدیث»، مجموعه مقالات منتشر شده زن در روزنامه زن، انتشارات قله، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴)

<sup>۲۱</sup> هاشمی، سید محمد. «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ج ۲، منبع پیشین، ص ۵۹۵.

### گفتار سوم - مشاغل مرتبط با قوه مجریه

#### ۱- ریاست جمهوری

سمت ریاست جمهوری تا سال ۱۳۵۷ در ایران سابقه نداشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از مقام رهبری، سمت ریاست جمهوری را پیش‌بینی نمود. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی «پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد.»

در خصوص شرایط ریاست جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

عنوان «رجال مذهبی و سیاسی» از یک سو ممکن است صرف نظر از جنسیت، به معنای چهره‌های شاخص مذهبی و سیاسی باشد اما از لحاظ لغوی واژه «رجال» به معنای مردان در مقابل واژه «نساء» به معنای زنان حکایت از آن دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتماً باید از میان مردان باشند.

البته دیدگاهی که رجال را مردان تفسیر می‌کند دارای قدرت بیشتری است و می‌توان به صراحت گفت که مردان حق دارند رئیس جمهور شوند و زنان از این حق محروم‌اند.<sup>۲۲</sup>

در پیش‌نویس قانون اساسی، اشاره‌ای به شرط جنسیت نشده بود.<sup>۲۳</sup> اما بعد در بررسی اصول قانون اساسی شرط مرد بودن را بدان اضافه کردند و اصل ۱۱۵ با قید عنوان «رجال مذهبی و سیاسی» به تصویب رسید.

در مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی دو دیدگاه به چشم می‌خورد در دیدگاه اول قید «مرد بودن» ضرورتی ندارد. زیرا زنان همانند مردان احیاناً بتوانند به آن مرحله از تکامل و پویایی برسند که با داشتن دیانت و تقوا و قدرت سیاسی در مقام وکالت ملت قدرت

<sup>۲۲</sup> . احمدی خراسانی، نوشین، «مقاله قدرت سیاسی و زنان در ایران امروز»، مجله فصل سبز، شماره ۳، اسفند ۱۳۷۸.

<sup>۲۳</sup> . اصل ۷۶ پیش‌نویس قانون اساسی «رئیس جمهور باید مسلمان و ایرانی‌الاصل و تابع ایران باشد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ج ۴، ۱۳۳۸، ص ۱۹۷).

اجرائی پیدا کنند که در این صورت به لحاظ احراز شایستگی مورد تأیید مقام رهبری قرار گیرند.<sup>۲۴</sup>

در دیدگاه دوم این مسئله مطرح شده که در فقه اسلامی مساله ولایت مخصوص مردهاست. از طرف دیگر ریاست جمهوری فقط امر وکالت نیست بلکه عین حکومت و از امور مربوط به ولایت و از مسلمات فقه اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین زنان به هیچ وجه حق حکومت ندارند.<sup>۲۵</sup>

اما می‌توان گفت قید عنوان «رجال مذهبی و سیاسی» در اصل ۱۱۵ که مقام ریاست جمهوری را به مردان اختصاص داده است صرفاً به لحاظ رعایت مصلحت مقطعی مملکت بوده نه به جهت رعایت اصل شرعی ممنوعیت زن از ولایت و حکومت؛ زیرا اگر این اصل می‌خواست رعایت شود، به طریق اولی باید زن را از نمایندگی و عضویت در مجلس قانونگذاری نیز منع کرد.<sup>۲۶</sup>

## ۲- وزارت

وزیران از جمله اعمال کنندگان قوه مجریه می‌باشند که به صورت جمعی - هیات وزیران که ریاست آن با رئیس جمهوری یا با موافقت وی با معاون اول رئیس جمهوری است - و یا به صورت فردی به ایفای وظیفه سیاسی می‌پردازند.

وزارت امر خطیری است که هر یک از وزیران، به سهم خود، در تصدی آن مقام، نقش موثری در استحکام و یا تزلزل نظام سیاسی و آینده کشور دارند. نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حاکمیت اسلام، حاکمیت ملی و استقلال کشور است. بنابراین وزیر باید قابلیت‌های لازم را برای حفظ و انجام این اصول محوری داشته باشد. این قابلیت‌ها از طریق بررسی و شناخت مذهبی و ملی و میزان دلبستگی‌های عاطفی که برای وزارت در نظر گرفته می‌شود، قابل احراز است.<sup>۲۷</sup>

<sup>۲۴</sup> . صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان منبع، جلد ۳، ص ۱۷۷۰.

<sup>۲۵</sup> . همان منبع، ص ۱۷۷۱.

<sup>۲۶</sup> . مهرپور، حسین، «حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۲۳۰.

<sup>۲۷</sup> . هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، جلد ۲، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۴۰۵.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچگونه اشاره‌ای به شرایط وزارت ننموده است اما در پیش‌نویس قانون اساسی (اصل ۱۰۶) ذکر شده بود که «هیچ کس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی و تبعه ایران باشد». در این اصل اشاره‌ای به شرط مرد بودن نشده است. به موجب اصل ۱۲۳ قانون اساسی نیز «وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند ... تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.» در این اصل هم هیچگونه محدودیتی برای زنان، جهت تصدی مقام وزارت وجود ندارد و بدین ترتیب با توجه به مشروعیت حضور زنان در جامعه، حق نایل شدن آنان به مقام وزارت به عنوان یکی از مصادیق حضور برای آنان محفوظ است.

با وجود این در نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون حتی یک وزیر زن وجود نداشته و این مسئله به نظر می‌رسد مبتنی بر ملاحظات سیاسی باشد نه ممنوعیت قانونی. شایان ذکر است که در موجودیت زنانی که واجد صلاحیت تجربی و مدیریتی کافی برای تصدی مقام وزارت - حداقل در برخی وزارتخانه‌ها - باشند، تردید وجود ندارد. حداقل در دو عرصه وزارتخانه‌های بهداشت و آموزش و پرورش که حضور زنان در این دو وزارتخانه بیش از سایر وزارتخانه‌هاست، شاید بتوان در مقام وزارت از فعالیت‌های زنان شایسته بیشتر بهره برد.<sup>۲۸</sup> در این خصوص برخی از روحانیون در زمان عضویت خود در مجلس شورای اسلامی - دوره پنجم - اعلام کردند که منعی برای حضور زنان در کابینه وجود ندارد و می‌توان از وجود زنان لایق و با کفایت و توانا در برخی از وزارتخانه‌ها استفاده کرد و اگر انتظاراتی که از یک فرد برای حضورش در کابینه می‌رود و ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر در حد عالی در یک زن وجود داشت از او در پست وزارت استفاده خواهد شد و برای انتخاب افراد برای کابینه باید به صلاحیت‌ها، لیاقت‌ها و ارزش‌ها نگاه کرد و جنسیت نباید ملاک قرار گیرد.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۸</sup> کدیور، جملیه، «زن»، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱.

<sup>۲۹</sup> از جمله حجت‌الاسلام قربانعلی قندهاری، نماینده گرگان، حمید باقری بنایی نماینده تبریز و علی موحدی ساوجی نماینده تهران (روزنامه اخبار، شماره‌ی ۵۵۷، سال دوم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۶، صفحه اخبار داخلی).

## ۳- معاون اول رئیس جمهور

در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی مربوط به بحث «تمرکز در قوه مجریه» دو موضوع جلب توجه می‌نماید:

۱- با توجه به حذف پست نخست وزیری و انتقال وظایف و اختیارات سنگین آن به ریاست جمهوری، وجود همکاران لایقی که به عنوان بازوی رئیس جمهور قادر به معاونت و یاری وی در هماهنگی و رتق و فتق امور متراکم باشند، لازم خواهد بود.

۲- در زمان مسافرت، غیبت و یا کثرت مشغله رئیس جمهور، به خاطر منوط بودن بعضی از تصمیمات به مقام ریاست جمهوری ممکن است رکود یا توقف در امور پیش آید. در این صورت نیز وجود یک همکار ویژه به عنوان قائم مقام قانونی ضرورت خواهد داشت تا وظایف محوله را انجام دهد.

در پی این استدلالها بود که ایجاد پست «معاون اول» جز اختیارات رئیس جمهور قرار گرفت.<sup>۲۰</sup>

در اصل ۱۲۴ قانون اساسی آمده است که «رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیات وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را برعهده خواهد داشت.»

باتوجه به اصل مزبور پیداست که قانونگذار برای احراز پست «معاون اول» رئیس جمهور شرط مرد بودن را قایل نشده و از این جهت منعی برای زنان وجود ندارد که البته این امر منوط به نظر رئیس جمهور می‌باشد، اما تاکنون زنی به این مقام نایل نشده است.

## ۴- ریاست عالی سازمانهای وابسته به ریاست جمهوری

قانون اساسی و قوانین عادی، برخی از سازمانها را که هر کدام دارای وظایف و اختیاراتی مشخص هستند، وابسته به ریاست جمهوری اعلام داشته است که این سازمانها عبارتند از:

<sup>۲۰</sup> . صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲، صص ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰.

(به نقل از هاشمی، سید محمد، منبع پیشین، ص ۳۴۷)



#### ۴-۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

این سازمان از ادغام دو سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی، تشکیل گردیده است. سازمان برنامه و بودجه، به عنوان یک مؤسسه ستادی، در امور اقتصادی و اجتماعی دولت، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در کارها را برعهده داشت و سازمان امور اداری و استخدامی نیز وظیفه انتظام امور استخدامی و تشکیلاتی و روش‌های اداری کشور را عهده‌دار بود که هر دوی این سازمانها زیر نظر رئیس جمهور قرار داشت که وی از طریق دو تن از معاونان خود - رئیس سازمان برنامه و بودجه و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی - آنها را اداره می‌کرد.

در همین زمینه در اصل ۱۲۶ قانون اساسی آمده است که «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد».

در حال حاضر با تلفیق این دو سازمان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی زیر نظر ریاست جمهوری قرار گرفته است که ریاست این سازمان توسط رئیس جمهور انتخاب می‌گردد و منعی در این زمینه جهت انتخاب زنان لایق و شایسته و واجد شرایط احراز این سمت وجود ندارد.

#### ۴-۲- سازمان حفاظت محیط زیست

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»<sup>۳۱</sup>

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، یکی از معاونان رئیس جمهور به انتخاب وی می‌باشد که در این مورد زنان شایسته و لایق جهت تصدی ریاست سازمان وجود دارد، چنانچه در حال حاضر ریاست آن را یک زن به عهده دارد.

#### ۴-۳- سازمان انرژی اتمی

<sup>۳۱</sup>. اصل ۵۰ قانون اساسی.

«برای استفاده از اشعه و انرژی اتمی در صنایع و کشاورزی و ایجاد نیروگاههای اتمی و کارخانه‌های شیرین کننده آب شور و تولید مواد مورد نیاز صنایع اتمی و نظارت بر کلیه امور مربوط به انرژی اتمی، سازمان انرژی اتمی تأسیس شده است.»<sup>۳۲</sup>

این سازمان زیر نظر عالیة رئیس جمهور قرار دارد. رئیس آن توسط رئیس جمهور منصوب می‌شود که یکی از معاونان وی می‌باشد. به علت نقش خطیر و حساس این سازمان لازم است که ریاست آن را شخص لایق و برجسته‌ای عهده‌دار باشد جا دارد که زنان نیز امکانات و فرصت‌های قانونی خود را برای تصدی این منصب مورد ارزیابی قرار دهند.

#### ۴-۴- سازمان تربیت بدنی

سازمان تربیت بدنی متصدی امر پرورش جامعه است و جنبه اجرایی دارد و می‌توان آن را در ردیف امور آموزشی کشور دانست.<sup>۳۳</sup> این سازمان نیز از طریق یکی از معاونان رئیس جمهور - رئیس سازمان تربیت بدنی - اداره می‌شود. در ریاست سازمان مرد بودن شرط نمی‌باشد و زنان نیز در صورت امعان نظر رئیس جمهور می‌توانند به این مقام برگزیده شوند.

#### ۵- استاندار

استاندار، مهمترین مقام دولتی مستقر در محل (مرکز استان) است و نماینده عالی حکومت و نماینده انفرادی هر یک از وزیران در استان به شمار می‌رود. بر خلاف وزیر که وزارتخانه معینی را تصدی می‌نماید. استاندار بر همه نمایندگی‌های دولت در محل و شعب وزارتخانه‌ها نظارت داشته و مسئول هماهنگی امور دولتی است.<sup>۳۴</sup>

در ایران، استاندار یک مقام انتصابی است که از میان فرمانداران شایسته و واجد شرایط یا از میان کارمندان عالی‌رتبه و مطلع سایر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی یا غیر کارمندان به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت وزیران و حکم ریاست جمهوری به این سمت منصوب می‌شود. با بررسی شرایط تعیین شده برای استاندار، مشاهده می‌شود که این

<sup>۳۲</sup>. ماده یک قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶

<sup>۳۳</sup>. هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ج ۲، منبع پیشین، ص ۳۷۴.

<sup>۳۴</sup>. انصاری، ولی‌الله، «کلیات حقوق اداری»، نشر میزان، ۱۳۷۴، ص ۲۰۰.

شرایط نسبت به زنان تبعیض آمیز نمی‌باشد. بنابراین اگر بنای ما این باشد که افراد شایسته عهده‌دار مسئولیتها شوند، این فرد شایسته هم می‌تواند زن باشد هم مرد. در زمینه تصدی پست استاندار هم میان مرد و زن تفاوتی وجود ندارد و آنچه مهم است کارآیی، صلاحیت و شایستگی است.

#### ۶- فرماندار

دومین نماینده قوه مرکزی در هر شهر از لحاظ اعتبار و اختیارات، فرماندار است که معمولاً از میان بخشداران واجد شرایط بر پایه نظام شایستگی و با روش امتحان و مسابقه و حسن سوابق گذشته، بدین سمت منصوب می‌شود. انتصاب فرماندار با پیشنهاد استاندار و تصویب وزیر کشور صورت می‌گیرد. فرماندار از غیر کارمندان دولت نیز قابل انتصاب می‌باشد.<sup>۳۵</sup>

در زمینه سمت فرمانداری حتماً زنانی وجود دارند که لیاقت و شایستگی احراز این مقام را دارا باشند. کمالینکه در کشور فرماندار زن وجود داشته است. جا دارد که سایر زنان نیز امکانات و فرصت‌های خود را در این راه مورد ارزیابی قرار داده و به این باور برسند که می‌توانند در اداره‌ی کشور حضور موثر داشته باشند و مناصب و مسئولیت‌های بزرگ و خطیر را عهده‌دار شوند.

#### ۷- بخشدار

بخشدار همانند استاندار و فرماندار نماینده قوه مرکزی در قلمرو بخش است و مسئول اجرای سیاست عمومی دولت و قائم مقام دولت در اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرای اداری درباره امور ملی و عمومی حوزه مأموریت خویش می‌باشد.<sup>۳۶</sup>

طبق ماده ۷ قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۱۹/۸/۲۱ بخشدار از بین مستخدمین رسمی دولت به پیشنهاد فرماندار و موافقت استاندار و حکم وزارت داخله منصوب می‌شود.

<sup>۳۵</sup> . انصاری، ولی‌الله، منبع پیشین، ص ۲۰۴.

<sup>۳۶</sup> . انصاری، ولی‌الله، منبع پیشین، ص ۲۰۶.

همچنین بخشدار بایستی از میان لیسانسه‌ها استخدام شود. چه مطابق قانون استخدام کشوری و طرح طبقه‌بندی مشاغل، شرط احراز پست بخشداری منوط به داشتن درجه لیسانس می‌باشد.

شایان ذکر است که در کشور ما، تعداد زنان تحصیلکرده قابل توجه بوده و همچنان این تعداد رو به افزایش می‌باشد. بنابراین بسیار بجاست که از تخصص و توان زنان واجد شرایط برای تصدی این پست استفاده شود و بخاطر جنسیت، صلاحیت آنان نادیده گرفته نشود، چرا که مبنای توزیع مسئولیتهای اجتماعی - سیاسی در یک نظام اسلامی، شایستگی است نه جنسیت.

#### ۸- شهردار

یکی از ارگانهای عمومی مهمی که در هر شهر ارتباط همه روزه و گسترده با مردم و مسایل و مشکلات آنها دارد، شهرداری است.

در ماده ۵۰ اصلاحیه قانون شهرداریها آمده است که شهردار باید بوسیله انجمن شهر ولی از بین اشخاص خارج از انجمن به مدت ۲ سال با رأی مخفی و اکثریت تمام انتصاب شود. این قانون بوسیله آیین‌نامه، پاره‌ای از شرایط خاصه را برای شهردار شدن به انجمن شهر تحمیل کرده است. شرط تابعیت، شرط سن حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۶۰ سال، شرط تحصیلات لیسانس برای شهرهای مهم و دیپلم متوسطه برای شهرهای معمولی، داشتن حسن شهرت و عدم محکومیت کیفری مؤثر، سکونت در محل، ذینفع نبودن از نظر معاملات با شهرداری و توانایی جسمی و روانی انجام کار.<sup>۳۷</sup>

در بررسی شرایط شهردار مشاهده می‌شود که منعی جهت تصدی آن، برای زنان وجود ندارد، و باید به زنان فرصت داده شود تا در این سطح مدیریتی بیشتر حضور به هم رسانند و با حفظ موازین اسلامی، رعایت مصالح جامعه و حفظ حیثیت، وقار و شخصیت خود، مناصب و مسئولیتهای مهم و بزرگ را عهده‌دار شوند. مدیریت شهری، با هدف نظارت بر توسعه موزون در سطح شهرها منوط به داشتن تخصص کافی در این زمینه می‌باشد و جا دارد که از حضور زنان لایق و کاردان در این عرصه بهره جست.

<sup>۳۷</sup>. مجموعه قوانین و مقررات استخدامی، تدوین محمد حسن وطنی، انتشارات دانشور، ۱۳۷۶، ص ۹۵۹.

### گفتار چهارم - مشاغل مرتبط با قوه قضائیه

#### ۱- قضاوت

قضاوت یکی از شئون حاکمیت به شمار می‌رود که اهمیت نقش آن در سالم سازی یک جامعه واضح و مبرهن است و تحقق عدالت و انصاف بدون استفاده از قضاوت عادل و عالم امکان پذیر نمی‌باشد.

طبق اصل ۱۶۳ قانون اساسی «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی بوسیله قانون معین می‌شود» پیش از تصویب قانون اساسی، همزمان با پیروزی انقلاب، بر مبنای فتوای فقها و دستورات مدیران جدید سیاسی، زنان را از قضاوت کردن محروم ساختند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ قانون شرایط انتخاب قضاوت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در صدر این ماده واحده آمده است:

«قضاوت از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند...».

بدین ترتیب به موجب این ماده اگر زنی واجد همه شرایط مندرج در قانون باشد، نمی‌تواند عهده‌دار منصب قضاوت شود و همچنین حضور آنان در کادر اداری قوه قضائیه با تصویب این قانون محدود شد.<sup>۳۸</sup>

در سال ۱۳۷۴ قانونی تحت عنوان «قانون اصلاح تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضاوت دادگستری مصوب ۱۳۶۳» به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید که تبصره ۵ الحاقی به قانون شرایط انتخاب قضاوت مصوب سال ۱۳۶۳<sup>۳۹</sup> را به شرح زیر اصلاح کرد:

«تبصره ۵- رئیس قوه قضائیه می‌تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ می‌باشند با پایه قضایی جهت تصدی پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین

<sup>۳۸</sup>. در رژیم سابق، زنان در مسند قضاوت می‌نشستند و به مقام ریاست دادگاه هم منصوب می‌شدند.

<sup>۳۹</sup>. تبصره ۵: «بانوان دارندگان پایه قضایی واجد شرایط مذکور در بندهای ماده واحده می‌توانند در دادگاه‌های مدنی خاص و اداره سرپرستی صغار به عنوان مشاور خدمت نمایند و پایه قضایی خود را داشته باشند.» (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳، چاپ روزنامه رسمی، ص ۵۷۹)

دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام نماید.»<sup>۴۰</sup>

این ماده واحده ظاهراً در جهت گسترش قابلیت‌های زنان در دستگاه قضایی می‌باشد. اما با وجود این زنان همچنان از تصدی مقام قضاوت به معنای خاص آن و انشای رأی محرومند.

تحولی که در وضع زنان در جهت تصدی منصب قضاوت صورت گرفته این است که تا سطح دایاری دیوان عالی کشور برای برخی از زنان ابلاغ قضایی صادر شده، بعضی‌ها در سمت معاون رئیس دادگستری استان انجام وظیفه می‌کنند و برای بعضی هم ابلاغ مستشاری دادگاه تجدید نظر صادر شده است که در این مورد اخیر می‌تواند نمایانگر تحول اساسی در دیدگاه مسئولین قضایی نسبت به قضاوت زنان باشد. زیرا مستشار دادگاه تجدید نظر دارای رأی است و در صدور حکم مشارکت دارد و همانند مشاور در دادگاههای دیگر نیست که فقط نظر مشورتی بدهد. احتمالاً این رویه عملی با مقررات قانونی فعلی جمهوری اسلامی که همچنان قضاوت و رأی دادن را برای زنان مجاز نمی‌داند، در تعارض است.<sup>۴۱</sup>

بدین ترتیب تا وقتی که زنان نتوانند به نام قاضی صادر کننده رأی در مسند قضاوت تکیه زنند، حضور مؤثر آنان در مدیریت سیاسی کشور جای تردید است. چرا که قضاوت باید همراه با تصمیم‌گیری نهایی باشد و پست‌های حساس و سیاسی کشور نیز اقتضای تصمیم‌گیری فوری و نهایی را دارد.

## ۲- ریاست قوه قضاییه

شرایط احراز ریاست قوه قضاییه در اصل ۱۵۷ قانون اساسی ذکر گردیده است که «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت ۵ سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است.»

<sup>۴۰</sup> . مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴، چاپ روزنامه رسمی، ص ۴۹.

<sup>۴۱</sup> . مهرپور، حسین، «حقوق زن»، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۳۱۸.

نکته قابل توجه در این اصل آن است که، پیش‌بینی شرایط مهم علمی، اخلاقی، تجربی برای احراز ریاست قوه قضاییه نشان دهنده موقعیت خطیر و دشواری است که این مقام داراست. سپردن کلیه امور قوه قضاییه در دست یک فرد مستلزم آن است که فرد از شایستگی‌های گوناگون برخوردار باشد.

همانطور که مشاهده می‌شود شرط مرد بودن به هیچ وجه در اصل ۱۵۷ قانون اساسی مورد اشاره قرار نگرفته است. رسیدن به درجه اجتهاد هم خاص مردان نیست و صفاتی مانند عادل و آگاه به امور قضایی، مدیر و مدبر در انحصار مردان نمی‌باشد. بهرحال در قوه قضاییه تاکنون زنی به ریاست آن انتخاب نشده است. چنانکه پیشتر نیز ذکر شد زنان قاضی تا همین اواخر حق قضاوت نداشتند، چه رسد به اینکه بخواهند در رأس این قوه نیز قرار گیرند.

### ۳- ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل

به موجب اصل ۱۶۲ قانون اساسی «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضاییه با مشورت قضات دیوانعالی کشور آنها را برای مدت ۵ سال به این سمت منصوب می‌کند».

همانطور که در اصل مذکور مشاهده می‌شود، قانونگذار در قانون اساسی برای ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل، شرط مرد بودن را قید نکرده است.

رئیس دیوان عالی کشور در بهبود و سالم سازی محیط قضایی کشور نقش بسزایی دارد و عالی‌ترین مقام قضایی کشور محسوب می‌شود. برای تصدی این مقام - همانگونه که ذکر شد - منع قانونی برای زنان وجود ندارد.

### ۴- ریاست دیوان عدالت اداری

«به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد.»<sup>۴۲</sup>

<sup>۴۲</sup> . اصل ۱۷۳ قانون اساسی.

در قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ در خصوص شرایط رئیس دیوان، نکاتی در ۴ بند ذکر گردیده است<sup>۴۳</sup> که در خصوص شرایط ریاست دیوان عدالت اداری، قانونگذار شرط مرد بودن را لحاظ نکرده است و زنان با مانع قانونی جهت تصدی این مقام مواجه نیستند.

#### ۵- ریاست سازمان بازرسی کل کشور

«براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی بنام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.»<sup>۴۴</sup>

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور در ماده ۴ خود آورده است که «رئیس سازمان توسط رئیس قوه قضاییه از میان قضات شرع و یا قضاتی که دارای رتبه ۱۰ یا ۱۱ قضایی باشند، تعیین می‌شوند ...»

قانونگذار در تعیین شرایط ریاست سازمان شرط مرد بودن قایل نشده است، اما رویه عملی به گونه‌ای بوده که از آغاز تشکیل سازمان بازرسی کل کشور تاکنون زنی به ریاست آن منصوب نشده است.

#### نتیجه

باید خاطرنشان کرد که به طور کلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین و مقررات درخصوص حقوق سیاسی زنان به طور عام و حق زنان به تصدی مناصب و مشاغل عمومی به طور خاص که مصادیقی از آنها رامطرح کردیم، مانع قانونی آنچنانی پیش رو نیست. اما برخی نظرات فقهی با نادیده گرفتن مقتضیات اجتماعی، این حق را برای زنان قایل نیستند. این امر باعث شده که در عمل بیشتر و یا شاید بتوان گفت تمام پست‌های حساس و کلیدی در انحصار مردان باشد، آنهم عده‌ی محدودی از مردان که هر از چند گاهی فقط اندکی جابجا می‌شوند و این امر سبب می‌شود که به توان اجرایی کشور، چیزی افزوده نشود.

<sup>۴۳</sup> . مجموعه قوانین استخدامی، ناشر سازمان معین ادارات، ۱۳۷۵، ص ۸۱۹.

<sup>۴۴</sup> . اصل ۱۷۴ قانون اساسی.



موقعیت شایسته و واقعی زنان به عنوان تشکیل دهنده‌ی حدود نیمی از جمعیت جوامع مختلف بایستی بخوبی شناخته شود و برای مشارکت سیاسی آنان بسترهای مناسب و شرایط لازم مهیا شود. برای حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور باید به تحکیم فرآیندهای دموکراتیک، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و ایجاد تحولات لازم در قوانین و مقررات حقوقی و نیز هنجارهای اجتماعی پرداخته شود. شایان ذکر است که صرف اعطای حقوق مساوی به زنان در قوانین و مقررات کافی نمی‌باشد. و زنان باید در عمل به حقوق حقه‌ی خود نایل شوند. اما هنوز فاصله زیادی میان آنچه هست و آنچه که باید باشد، وجود دارد، بدین معنا که بین عملکردها با گفتارها و نوشتارها تفاوت زیادی وجود دارد این امر به دلایل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی و تاریخی بستگی دارد که باعث شده، هنوز زنان به طور عملی نتوانند به آنچه که به لحاظ قانونی استحقاق آن را دارند دست یابند.

نکته قابل توجه آن است که با گسترش حرکت‌ها و اعتراضات زنان در سطح افکار عمومی، نسبت به قوانین و سنت‌ها، حاکمیت به جای شرکت دادن زنان در پست‌ها و مناصب سیاسی. به ایجاد دفاتری ویژه برای زنان تحت نام مشاور امور زنان در بخش‌های مختلف اقدام کرده است.

نهایتاً می‌توان بر این نکته تأکید نمود که در جهان امروز، محور خلاقیت و ابتکار در حیات آدمی، قدرت تفکر و اندیشه‌ی انسانهاست نه نیروی زور و بازوی آنان. بدین ترتیب دیگر نمی‌توان میان زنان و مردان تفاوتی قایل شد و باید باور داشت که مبنای توزیع مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و ... شایستگی است نه جنسیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی